



سیستم های تامین منابع مالی و تاثیر آنها بر عملکرد آموزش عالی

عزیزاله مرادی*^۱ محمد قربانیان^۲

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، هیأت علمی دانشگاه آزاد شهر

ارتباط با نویسنده: m.moradi63@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۸، تاریخ انجام اصلاحات: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

Financial Resources systems and Their impact on The Performance of Higher Education

Moradi Azizolah^{1*}, Mohammad Ghorbanian²

1. M.A in accounting from IAU, Safadasht branch (corresponding author)

2. Ph.D. student in accounting board member in IAU, Azadshahr branch.

Received 24/02/2020, Revised 15/03/2020, Accepted 17/03/2020

چکیده

هدف اصلی پژوهش، بررسی تاثیر سیستم تامین منابع مالی بر توسعه عملکرد آموزش عالی است. در این پژوهش توجه ویژه‌ای بر سیستم‌های مختلف منابع مالی و نیز تغییرات اخیر آنها شده است که مبتنی بر تحلیل تطبیقی سیستم‌های تامین منابع مالی آموزش عالی کشورهای مختلف است. در این راستا، مزیت‌ها و مسايل سیستم‌های مختلف تامین منابع مالی آموزش عالی به صورت تطبیقی بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که خانوارها بزرگترین سهم تامین منابع مالی بخش خصوصی آموزش عالی را تشکیل می‌دهند (۷۴ درصد در بین کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی)، و بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، سهم منابع حاصل از بخش خصوصی برای نهادهای آموزش عالی تا حدود ۳ درصد افزایش داشته است، در حالی که سهم منابع دولتی به طور متوسط در کلیه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی کاهش یافته است.

کلمات کلیدی: سیستم تامین منابع مالی، آموزش عالی، منابع خصوصی، منابع دولتی



مقدمه

آموزش عالی، یکی از ابزارهای قدرتمند توسعه بشری است که به افزایش پایداری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها کمک می‌کند (احمد^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). در سال‌های اخیر تغییرات زیادی در مدیریت عملکرد سیستم‌های آموزش عالی صورت گرفته است و نهادهای آموزش عالی تحت فشار مجامع عمومی برای اثبات و افزایش کارایی، اثربخشی، روش‌های تخصیص منابع و تحقق مسئولیت‌های اجتماعی و نیز تبیین روش‌های دستیابی به اهداف خود هستند (تنویر و کریم^۲، ۲۰۱۸). آموزش عالی بخش پرهزینه جامعه است، اما در عین حال بیش از هر نهاد دیگری محرک رشد اقتصادی کشورها است و به همان اندازه در برآورده نمودن آرمان‌های اقشار کم‌درآمد جامعه و سهمیم کردن آنان در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد، چرا که مواجه شدن با این آرمان‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی و تحکیم روابط اجتماعی برای دولت-ها از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین دلیل آموزش عالی نیاز دارد تا در حد توان خود برای تعلیم دانشجویان بیشتر تلاش کرده و در این زمینه سرمایه‌گذاری کند، اما از سوی دیگر با مشکل کمبود منابع مالی مواجه است (زمتا^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). به همین دلیل، نهادهای آموزش عالی در رقابت برای کسب منابع مالی بیشتر تلاش می‌کنند، زیرا تامین منابع مالی یکی از فاکتورهای موثر بر بهبود عملکرد و نظام مدیریت عملکرد آموزش عالی شناخته شده است (تنویر و کریم ۲۰۱۸، رجب زاده، ۲۰۱۸)

منابع مالی و روندهای تامین منابع مالی آموزش عالی بر اساس قانون نهادهای آموزش عالی، قوانین مربوط به آموزش عالی و سایر اسناد حقوقی تعریف می‌شوند. تامین و تخصیص منابع مالی تاثیر فوق العاده‌ای بر عملکرد سیستم‌های آموزش عالی دارد و تعیین می‌کند چه مقدار پول در دسترس است، چه کسی محدودیت مالی را باید تحمل کند، چه کسی پول انباشته شده را کنترل می‌کند، از تجمیع منابع مالی چه مخاطراتی ایجاد می‌شود و اینکه آیا هزینه‌های تحصیلی می‌تواند تحت کنترل قرار گیرد یا خیر (روبرتز^۴ و همکاران، ۲۰۰۲). انتظاری (۱۳۹۰) بیان کرده است که به منظور افت عملکرد دانشگاه‌های دولتی در سطح خرد و کاهش سرعت توسعه علم و فناوری در سطح کلان، لازم است که رویکرد و روش‌های تخصیص کمک‌های مالی دولت به دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه بر روی مجموعه‌ای از کشورهای عضو نشان داده است که سیستم‌های تامین منابع مالی آموزش عالی اثرات مهمی بر توسعه نظام آموزش عالی و در نتیجه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها بر

1 . Ahmad &

2 . Tanveer & Karim

3 . Zvmta

4 . Roberts

جای می‌گذارد (سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی^۱، ۲۰۰۷). اما هر سیستم تامین منابع مالی آموزش عالی برای توسعه آموزش عالی و در نتیجه توسعه اقتصادی مناسب نیست و بعضی از سیستم‌های تامین مالی محرک توسعه و بعضی دیگر در مقابل آن هستند. سیستم‌های تامین منابع مالی تاثیرات مختلفی را بر عملکرد موسسه‌های آموزش عالی دارند که می‌توان به برابری دسترسی، خودمختاری و استقلال مؤسسات آموزش عالی، رقابت بین موسسه‌های آموزش عالی، پایداری موسسه‌های آموزش عالی، پاسخ به نیاز دانشجویان و بازار کار، کیفیت آموزش عالی و فشارهای مالی بر دولت، مالیات‌دهندگان و خانواده‌ها اشاره کرد (آلبرخت و زیمرمن^۲، ۱۹۹۲؛ گوئنا^۳، ۱۹۹۸؛ جنکس^۴، ۱۹۷۰؛ جانگبلود و کولمن^۵، ۲۰۰۰؛ زانگ^۶، ۲۰۰۰). لذا امروزه کشورها تلاش می‌کنند که سیستم تامین منابع مالی آموزش عالی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که اهداف توسعه را هر چه بهتر و بیشتر تحقق بخشند (جانستون و مارکوسی^۷، ۲۰۱۰).

از طرفی، بهبود سیستم‌های تامین منابع مالی آموزش عالی مستلزم برخورداری از مجموعه‌ای از مکانیسم‌های موثر برای تولید درآمد آموزش عالی و فرمول تخصیص بودجه است که تحت عنوان روش‌های تخصیص منابع مالی تعریف شده‌اند (بانک جهانی، ۲۰۱۰). در جهت داشتن یک سیستم تامین مالی اثربخش، باید اصول مهمی تعریف شوند که هر یک از این اصول باید با شرایط اقتصادی هر کشور مانند سیاست‌های اقتصادی، توازن مالی، پایداری اقتصاد کلان مطابقت داشته باشند (نیتومی^۸، ۲۰۱۱؛ تیفیرا^۹، ۲۰۱۴)، بنابراین می‌توان انتظار داشت که میزان منابع مالی اختصاصی به سیستم آموزش عالی یکی از عناصر اصلی هر سیاست بخش آموزش عالی باشد و بررسی کارایی تامین و تخصیص مالی دانشگاه‌ها به دلیل رشد تقاضای اجتماعی و نیاز به ارتقاء کیفیت آموزش عالی ضروری باشد (پرانوسیویا^{۱۰}، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر، تامین منابع مالی آموزش عالی تغییرات عمده‌ای را در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم متحمل شده است. در اصل، تغییرات ایجاد شده در روش‌های تامین منابع مالی در واکنش به پدیده جهانی افزایش هزینه‌های آموزش عالی بوده است، زیرا نرخ هزینه آموزش عالی بیشتر از نرخ درآمد به ویژه درآمد وابسته به مالیات بوده است، که نتیجه آن در سرتاسر جهان، کمبود درآمد نسبت به افزایش هزینه‌های آموزش عالی و پژوهش و افزایش ثبت نام دانشگاهی بوده است. روشن است که این مسیرها نسبت به هم واگرا هستند و نیاز به منابع

1 . OECD
2 . Albrecht & Ziderman
3 . Geuna
4 . Jencks
5 . Jongbloed & Koelman
6 . Zhang
7 . Johnstone & Marcucci
8 . Nitume
9 . Teferra
10 . Praneviciene



به سرعت در حال افزایش است، در حالی که بودجه‌های دولتی ایستا و یا حتی نامیدکننده هستند. به همین دلیل باید درآمدهای دانشگاهی و روش‌های تخصیص منابع مالی آموزش عالی مورد بررسی قرار گیرد تا بتوانیم میزان عملکرد آموزش عالی را تبیین کنیم که در این راستا نیز پژوهش حاضر در تلاش است به بررسی تاثیر سیستم‌های تامین منابع مالی بر عملکرد سیستم‌های آموزش عالی بپردازد.

سیاست‌های تامین منابع مالی و آموزش عالی

محققان مختلفی مدل‌های تخصیص منابع و بودجه را دسته‌بندی کرده‌اند. زیمرمن و آلبرخت (۱۹۹۵) روش‌های بودجه‌بندی افزایشی، مذاکره‌ای و قرارداد درآمد ثابت^۱ را از هم متمایز کرده‌اند، اما برخی از این مدل‌ها با هم تداخل دارند که مزیت‌ها و معایب آنها را می‌توان از هم شناسایی کرد:

بودجه‌بندی افزایشی: این سیستم تامین منابع مالی که بر تعدیل بودجه در پرتو تخصیص‌های پیشین است، رویکردی پراگماتیک و ساده است که شناخت و استفاده از آن بسیار آسان و انعطاف‌پذیر بوده و در صورتی که ثبات مالی وجود داشته باشد، بسیار سودمند است. اما، این انتظار وجود دارد که طی زمان افزایش یابد، که همیشه امکان‌پذیر نیست. علاوه بر آن، به دلیل آنکه این سیستم و مدل تامین منابع مالی مبتنی بر ورودی به جای نتیجه و خروجی است، لذا انگیزه‌های کمی برای بهبود کارایی آن وجود دارد.

سیستم تامین منابع مالی مبتنی بر بودجه: این مدل کلی بودجه را بر اساس یک فرمول از پیش تعیین شده اختصاص می‌دهد و توزیع منصفانه منابع را بین نهادها کم و بیش تضمین می‌کند، و چارچوبی را تعیین کرده و تضادها را کاهش می‌دهد. اما، نقاط ضعفی نیز دارد که می‌توان به این موارد اشاره کرد که: بحث از سیاست به عناصر فنی تغییر می‌کند و چون مدل‌های تامین منابع مالی غالباً مبتنی بر تعداد ثبت نام در دانشگاه هستند، پس مساله کیفیت را در نظر نمی‌گیرند و تمایلی به تغییر برنامه‌های کنونی ندارند، تفاوت‌های موجود در اهداف آموزش عالی را متمایز نمی‌کنند و تاثیر سطحی در طول زمان دارند. فرمول‌های ارائه شده برای تخصیص منابع به آموزش عالی مبتنی بر ابزارهای قابل اندازه‌گیری بوده و مواردی که قابل اندازه‌گیری نبوده و اهمیت زیادی دارند را نادیده می‌گیرد.

سیستم تامین منابع مالی برنامه‌ای: این مدل بر برنامه‌های هدف تمرکز می‌کند و منابع مالی را بر اساس آن تخصیص می‌دهد. این سیستم تامین منابع مالی بر هدف تمرکز کرده و ابعاد کیفی را در نظر می‌گیرد و به وسیله آن می‌توان هزینه‌های آتی را برآورد کرد. اما نقطه ضعف آن

^۱ . قرارداد درآمد ثابت که در آن هر دانشگاه سهمی از منابع کلی بودجه یا منابع مالی را دریافت می‌کند.



این است که به مدیریت مرکزی قوی نیاز دارند و اندازه‌گیری پیشرفت در برنامه بسیار سخت است، زیرا بیشتر بر هدف به جای فعالیت‌های واقعی تاکید دارد و ساختار سازمانی دانشگاه‌ها غالباً با بودجه‌بندی برنامه‌های همسو نمی‌باشد.

سیستم تامین منابع مالی مبتنی بر صفر: این مدل تامین منابع مالی بر نتایج تاکید دارد. جنبه مثبت آن این است که بسیار منطقی و هدفمند است، اما از دیدگاه کارکنان بسیار وقت‌گیر بوده و اعتبار و روایی معیارهای آن زیر سوال است.

تامین منابع مالی مبتنی بر عملکرد: این مدل بر نتایج سازمان‌های آموزش عالی متمرکز است. مدلی نسبتاً ساده است و منابع به شیوه منصفانه در آن تخصیص می‌یابد. اما تعریف معیارهای عملکرد و ارائه مقیاس‌های مناسب برای اندازه‌گیری آن بسیار سخت است، همچنین غالباً بین تحقق هدف و دریافت بودجه خلاء زمانی وجود دارد و تنوع رسالت‌های دانشگاهی در یک سیستم غالباً مد نظر قرار نمی‌گیرد.

سیستم تامین منابع مالی تشویقی: این مدل بر نتایج و خروجی تاکید دارد و مساله کیفیت را مد نظر قرار می‌گیرد و در صورتی که با منابع مالی تطبیقی ترکیب شود، اثربخشی بیشتری دارد. اما، اندازه‌گیری عملکرد بسیار سخت است و فقط موارد قابل اندازه‌گیری را می‌توان مورد سنجش قرار داد. علاوه بر آن، این سیستم برای اهداف پاسخگویی مناسب نیست (یانگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

آموزش عالی از دهه ۱۹۵۰ در دسترس عموم مردم قرار گرفته است، چرا که تعداد دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر در همه کشورهای جهان افزایش یافته است. پیش از دهه ۱۹۹۰، سیاست‌های مالی بر تصمیمات استراتژیک تامین منابع مالی آموزش عالی حاکم بود (تیچلر، ۲۰۰۶)، اما امروزه تغییرات زیادی در زمینه تامین منابع مالی آموزش عالی صورت گرفته است. همچنین، سیاست‌های نئولیبرال اهمیت زیادی از دهه ۱۹۸۰ پیدا کرده است و تغییرات چشمگیری نیز در تامین منابع مالی آموزش عالی بر اثر سیاست‌های تامین منابع مالی و روندهای آن صورت گرفته است. یکی از این تحولات مهم، افزایش مشارکت بخش خصوصی در تامین منابع مالی آموزش عالی است که رشد چشمگیری در دو دهه اخیر داشته‌اند. در نتیجه، سیستم اشتراک هزینه در تامین منابع مالی آموزش عالی در بسیاری از کشورهای جهان پذیرفته شده است و در نتیجه این تغییر، چهار گروه شروع به مشارکت در تامین منابع مالی آموزش عالی کرده‌اند. اولین گروه، دولت و پرداخت‌کنندگان مالیات است، دولت از درآمد دولتی مانند مالیات برای تامین منابع مالی آموزش عالی استفاده می‌کند. دومین گروه، والدین دانشجویانی هستند که برای تامین منابع مالی آموزش عالی فرزندان خود منابع مالی تهیه می‌کنند، سومین گروه، دانشجویان هستند و آخرین گروه نیز

¹ . Young

سازمان‌های خیریه می‌باشند که از دانشجویان، والدین یا نهادهای آموزش عالی حمایت مالی می‌کنند (جانستون^۱، ۲۰۰۵، به نقل از گوکسو و گوکسو^۲، ۲۰۱۵). هرچه شهریه بیشتری توسط دانشجویان پرداخته شود، منابع بیشتری به دانشگاه‌ها عرضه می‌شود، و می‌توان گفت که سیستم اشتراک هزینه، نتیجه وجود نرخ‌های متفاوت شهریه در کشورهایی است که بیشتر نهادهای آموزش عالی آنها وابسته به دولت هستند (سام^۳، ۲۰۱۱). سه دلیل مختلف برای استفاده از روش اشتراک هزینه وجود دارد، یکی از آنها افزایش هزینه برای دانشجویان و دانشکده‌ها است، دلیل دیگر، افزایش تعداد ثبت نام دانشجویان در نتیجه رشد جامعه سن-دانشگاهی در سال‌های اخیر است و ناکافی بودن درآمدهای دولتی آخرین دلیل است (جانسون و مارکوسی^۴، ۲۰۰۷). اگرچه دانشجویان به دلیل استفاده از سیستم تامین منابع مالی تشویقی در بسیاری از کشورها، بر اساس مدل اول، شهریه چندانی پرداخت نمی‌کنند، اما در مدل دوم، دانشجویان شهریه بالایی پرداخت می‌کنند و در عین حال شانس برخورداری از تشویق‌های دولت را نیز دارند. مدل سوم شامل شهریه بالا و سیستم تشویقی دانشجویان در کشورهای توسعه نیافته است و در آخرین مدل، دانشجویان شهریه کمی را پرداخت می‌کنند و سیستم تشویقی دانشجویی نیز وجود ندارد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۳، ۲۰۱۹).

سیستم‌های تامین منابع مالی و آموزش عالی

در بین سیستم‌های تامین منابع مالی آموزش عالی و مکانیسم‌های مختلف به کار گرفته شده در توزیع منابع اعطایی دولت تفاوت‌های زیادی وجود دارد. سالمی و هامپتمن^۵ (۲۰۰۶، به نقل از احمد^۶ و همکاران، ۲۰۲۰)، توپولوژی سیستم‌های تامین منابع مالی مختلف را بررسی کرده و نقاط ضعف و قوت هر یک از آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و دو سیستم تامین منابع مالی شامل سیستم تامین منابع مالی مذاکره‌ای و سیستم مالی مبتنی بر عملکرد را معرفی کرده است (احمد و همکاران، ۲۰۲۰) که در زیر به اختصار توضیح داده شده‌اند:

سیستم تامین منابع مالی مذاکره‌ای: این سیستم یکی از رایج‌ترین روش‌های تامین منابع مالی آموزش عالی در کشورهای مختلف است. انجام مذاکرات موفق معمولاً منجر به توافق برای تغییر نظرات و انتظارات می‌شود. در بخش‌های آموزش عالی، سیستم تامین منابع مالی مذاکره‌ای شامل مذاکرات بین دولت و نهادهای آموزش عالی است که به این صورت که بودجه بر اساس پروپوزال پیشنهادی توسط نهادها به دولت به عنوان نقطه شروع مذاکره تخصیص داده می‌شود.

1. Johnstone

2. Goksu & Goksu

3. Sam

4. Johnstone & Marcucci

5. Salmi & Hauptman

6. Ahmad



(احمد و همکاران، ۲۰۱۲a؛ سالمی و هاپتمن، ۲۰۱۱). آموزش عالی و سیستم‌های آن در بسیاری از کشورها معمولاً از طریق بودجه مذاکره شده و یا فرمول‌های تامین منابع مالی متمرکز بر ورودی و یا تعداد دانشجویان ثبت‌نامی تامین مالی می‌شوند. بر اساس یافته‌های سالمی و هاپتمن (۲۰۱۱)، میزان منابع مالی تعیین شده از طریق فرآیند مذاکره معمولاً بر اساس روندهای تاریخی پیش‌بینی شده در آموزش عالی توزیع می‌شود.

توزیع منابع مالی از طریق سیستم تامین منابع مالی مذاکره‌ای توسط محققان بررسی شده و عدم شفافیت آن مورد انتقاد قرار گرفته است (احمد و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، شوارزنبرگر^۱ (۲۰۰۸) نیز نتایج تاثیر سیستم تامین منابع مالی مذاکره‌ای را بر عملکرد آموزش عالی آلمان غیرمطمئن، غیرشفاف و مبهم دانسته است.

سیستم تامین منابع مالی مبتنی بر عملکرد: مکانیسم‌های مختلفی در کشورهای جهان برای تامین منابع مالی استفاده می‌شود و سرمایه‌گذاری در برخی از کشورها دامنه متفاوتی دارد و از نوع سنتی تامین منابع مالی مذاکره‌ای بین دولت و نهادهای آموزش عالی گرفته تا افزایش استفاده از مکانیسم‌های پیشرفته تامین منابع مالی برای حمایت از توزیع ناشی از فشار سیاسی مفرط و تشویق به بروز رفتارهای مطلوب نهادهای آموزش عالی متفاوت بوده است. تامین منابع مالی مبتنی بر عملکرد مکانیسمی است که در آن خروجی یا فعالیت‌های حاصل برای ارزیابی کیفیت و اثربخشی موسسه در بین نهادهای آموزش عالی مورد استفاده قرار می‌گیرد (احمد و همکاران، ۲۰۲۰). برای بسیاری از کشورها مانند انگلیس، استرالیا و دانمارک، تخصیص منابع دولتی به آموزش عالی مبتنی بر ارزیابی‌های عملکرد موسسه بر اساس شاخص‌های تعیین شده است. بنابراین می‌توان بیان داشت که سیستم تامین منابع مالی مبتنی بر عملکرد مکانیسمی است که می‌تواند مساله محدودیت منابع مالی را حل کند. (شوارزنبرگر، ۲۰۰۸).

در سال‌های اخیر، تغییرات زیادی در تامین منابع مالی سیستم‌های آموزش عالی و مکانیسم‌های تخصیص بودجه بین نهادهای آموزش عالی صورت گرفته است، که علت آن افزایش به یکباره تعداد دانشجویان و محدود شدن منابع بودجه‌ای بوده است که مستلزم افزایش استفاده از منابع مالی دولتی و در نتیجه ورود منابع غیردولتی است. تحول اشکال و سازوکارها و سیستم‌های تامین منابع مالی تا حدود زیادی تحت تاثیر تغییر ماهیت و محتوای آموزش عالی در ارتباط با نیاز به شکل‌گیری برنامه‌های آموزشی و تربیتی در بخش آموزش عالی، متنوع‌سازی محتوای آنها، شرایط و اشکال تحویل خدمات آموزشی به متقاضیان قرار گرفته است. تامین منابع مالی آموزش عالی همواره هزینه‌های زیادی داشته است. به عنوان مثال در آمریکا، آموزش عالی پنجمین ردیف را در محاسبات پولی و مالی اقتصاد آمریکا به خود اختصاص داده است، در استرالیا، بخش آموزش عالی سومین مصرف‌کننده بودجه در اقتصاد این کشور را به خود اختصاص داده است. در

¹ . Schwarzenberger



سال ۲۰۱۴، دولت کانادا آموزش عالی بین‌المللی را به عنوان فاکتور کلیدی در ایجاد مشاغل جدید و بهبود رفاه مردم در نظر گرفته است و تعداد دانشجویان خارجی خود را تا سال ۲۰۲۲ به ۴۵۰ هزار نفر خواهد رساند، این امر هزینه دانشجویان خارجی را در این کشور ۱۶/۱ میلیارد دلار افزایش خواهد داد. نتیجه این موضوع آن است که در کانادا حداقل ۸۶/۵ هزار شغل جدید ایجاد خواهد شد. بر اساس داده‌های یونسکو (۲۰۰۶-۲۰۱۲)، ۳ کشور برتر که بیشترین سهم از GDP خود را صرف آموزش عالی کرده‌اند عبارتند از دانمارک، مولداوی و ایسلند (خارلوموا^۱، ۲۰۱۷). در جدول (۱)، هزینه‌های خصوصی و دولتی در بخش آموزش عالی در کشورهای جهان ارائه شده است.

جدول ۱ نسبت هزینه‌های خصوصی و دولتی بر آموزش عالی برای اساس GDP (۲۰۱۰، ۲۰۰۰، ۲۰۱۶)

| ۲۰۱۶ | | | | ۲۰۰۰ | | | | ۲۰۱۰ | | | | | |
|------------------|----------------|--------------------------|--------------|-------------|---------------|-------------|-------------|---------------|----------------|---------------------|--------------|-------------|----------|
| منابع بین المللی | کل منابع خصوصی | هزینه سایر نهادهای خصوصی | هزینه خانوار | منابع دولتی | خصوصی: یارانه | منابع خصوصی | منابع دولتی | خصوصی: یارانه | کل منابع خصوصی | هزینه نهادهای خصوصی | هزینه خانوار | منابع دولتی | |
| x | 60 | 13 | 47 | 40 | 0,9 | 49,0 | 51,0 | 0,5 | 53,5 | 14,5 | 39,0 | 46,5 | استرالیا |
| a | 6 | 3 | 3 | 94 | 7,7 | 3,3 | 96,7 | 7,7 | 12,2 | 9,5 | 2,6 | 87,8 | اتریش |
| 3 | 15 | 7 | 8 | 82 | 4,5 | 14,8 | 85,2 | 4,4 | 10,2 | 5,6 | 4,7 | 89,8 | بلژیک |
| 0 | 47 | 26 | 21 | 53 | 1,7 | 39,0 | 61,0 | 1,1 | 43,4 | 23,9 | 19,5 | 56,6 | کانادا |
| 4 | 24 | 14 | 10 | 73 | n | 14,5 | 85,5 | n | 21,2 | 11,8 | 9,4 | 78,8 | چک |
| m | m | m | m | m | n | 2,4 | 97,6 | m | 5,0 | X(4) | X(4) | 95,0 | دانمارک |
| 4 | 3 | 3 | 0 | 92 | n | 2,8 | 97,2 | n | 4,1 | X(4) | m | 95,9 | فنلاند |
| 2 | 21 | 10 | 11 | 77 | 2,3 | 14,3 | 85,7 | m | 18,1 | 8,0 | 10,1 | 81,9 | فرانسه |
| 2 | 15 | X(9) | X(9) | 83 | a | 8,2 | 91,8 | m | m | m | m | m | آلمان |
| m | m | m | m | m | m | 0,3 | 99,7 | m | m | m | m | m | یونان |
| 2 | 35 | X(9) | X(9) | 63 | n | 23,3 | 76,7 | m | m | m | m | m | مجارستان |
| 3 | 6 | 1 | 7 | 89 | m | 5,1 | 94,9 | a | 8,8 | 0,6 | 8,2 | 91,2 | ایسلند |
| a | 28 | 5 | 24 | 72 | m | 20,8 | 79,2 | n | 18,8 | 2,5 | 16,3 | 81,2 | ایرلند |

¹ . Kharlamova



| | | | | | | | | | | | | | |
|---|----|----|----|----|-----|------|------|------|------|------|------|------|---------|
| 3 | 36 | 6 | 30 | 61 | 6,1 | 22,5 | 77,5 | 5,8 | 45,8 | 8,0 | 24,4 | 67,6 | ایتالیا |
| 0 | 65 | 17 | 63 | 31 | m | 55,1 | 44,9 | m | 65,6 | 14,1 | 51,5 | 34,4 | ژاپن |
| 0 | 62 | 18 | 44 | 38 | 1,1 | 76,7 | 23,3 | 1,0 | 72,7 | 25,6 | 47,1 | 27,3 | کره |
| 0 | 31 | 0 | 31 | 69 | 0,6 | 20,6 | 79,4 | 1,3 | 30,1 | 0,4 | 29,8 | 69,9 | مکزیک |
| 3 | 29 | 13 | 16 | 67 | 2,4 | 22,6 | 77,4 | 0,3 | 28,2 | 13,5 | 14,7 | 71,8 | هلند |
| 0 | 49 | 15 | 34 | 51 | n | m | m | m | 33,7 | m | 33,7 | 66,3 | نیوزلند |
| 1 | 6 | 2 | 3 | 93 | a | 3,8 | 96,2 | m | 4,0 | m | 3,3 | 96,0 | نروژ |
| 3 | 18 | 3 | 16 | 79 | a | m | m | m | 29,4 | 6,9 | 22,5 | 70,6 | لهستان |
| 7 | 32 | 4 | 28 | 61 | m | 7,5 | 92,5 | m | 31,0 | 7,6 | 23,4 | 69,0 | پرتغال |
| 2 | 33 | 4 | 29 | 66 | 2,5 | 25,6 | 74,4 | 1,7 | 21,8 | 4,2 | 17,6 | 78,2 | اسپانیا |
| 4 | 12 | 11 | 1 | 84 | m | 11,9 | 88,1 | a | 9,4 | 9,4 | n | 90,6 | سوئد |
| M | m | m | m | m | m | m | m | m | m | m | m | m | سوئیس |
| 1 | 25 | 15 | 10 | 74 | n | 4,6 | 95,4 | m | m | m | m | m | ترکیه |
| 4 | 68 | 19 | 49 | 28 | 4,6 | 32,3 | 67,7 | 26,5 | 74,8 | 18,7 | 56,1 | 25,2 | انگلیس |
| A | 65 | 19 | 46 | 35 | m | 66,1 | 33,9 | m | 63,7 | 15,9 | 47,8 | 36,3 | آمریکا |
| 2 | 32 | 9 | 23 | 66 | 1,9 | 21,4 | 78,6 | 3,4 | 36,6 | - | - | 68,4 | کل OECD |

M: داده‌ها در دسترس نیست؛ n = بزرگی عدد یا ناچیز است و یا صفر است؛ X = داده‌ها در طبقه دیگر یا ستون دیگری از جدول ارائه شده است؛ a = داده‌ها قابل استفاده نیست، زیرا تایید نشده است. منبع (آموزش در یک نگاه، ۲۰۱۳، ۲۰۰۳؛ سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۱۹).

همانطور که جدول (۱)، نشان داده شده است، هزینه‌های بخش خصوصی فقط ۵ درصد یا کمتر کل هزینه‌های آموزش عالی را در دانمارک، فنلاند و نروژ تشکیل می‌دهد، اما در استرالیا، کانادا، ژاپن و آمریکا در سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۰ درصد است. بالاترین نرخ (بیش از ۷۰ درصد) در جمهوری کره جنوبی و انگلیس مشاهده می‌شود. علاوه بر آن، حدود ۸۰ درصد دانشجویان کشور کره جنوبی در موسسه‌های خصوصی ثبت نام کرده‌اند و دانشجویان در انگلیس در دانشگاه‌های وابسته به دولت ثبت نام کرده‌اند. در عین حال، بیش از ۷۰ درصد بودجه نهادهای آموزش عالی کشور کره متشکل از شهریه‌های دانشجویی است. این مقدار در انگلیس تقریباً ۵۰ درصد است (OECD، ۲۰۱۳). بر اساس میانگین OECD، در هر دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ بیشترین منابع از جانب دولت عرضه شده‌اند، که اگر این دو بازه زمانی را مقایسه کنیم باید گفت که تغییر قابل



ملاحظه‌ای در سال ۲۰۱۰ صورت نگرفته است. بیشترین تغییر در انگلیس روی داده است. اگرچه منابع دولتی در سال ۲۰۰۰ بیشترین سهم را داشتند، اما در سال ۲۰۱۰ منابع خصوصی در این کشور بیشترین سهم تامین منابع مالی آموزش عالی را به خود اختصاص داده‌اند. لذا می‌توان بیان داشت که سیاست‌های تامین منابع مالی و روش اشتراک هزینه در تصمیم‌گیری‌های آموزش عالی در کشورهای مختلف به ویژه انگلیس تاثیر زیادی دارد. در جدول زیر، حمایت‌های دولتی از خانوارها و سایر نهادهای خصوصی به عنوان درصدی از روند تامین منابع مالی آموزش عالی توسط دولت در کشورهای مختلف ارائه شده است.

جدول ۲ حمایت‌های دولتی از خانوارها و سایر نهادهای آموزش عالی خصوصی

| OECD میانگین | وام دانشجویی | انتقال و پرداخت به سایر نهادهای آموزش عالی خصوصی | بورسیه/سایر کمک به خانوارها | |
|--------------|--------------|--|-----------------------------|------------|
| 21,66 | 21,66 | n | 12,22 | استرالیا |
| 21,66 | a | 7,18 | 11,02 | اتریش |
| 21,66 | n | n | 13,65 | بلژیک |
| 21,66 | n | 1,64 | 4,33 | کانادا |
| 21,66 | A | n | 2,59 | چک |
| 21,66 | 3,95 | n | 21,91 | دانمارک |
| 21,66 | n | 0,27 | 14,90 | فنلاند |
| 21,66 | m | a | 7,74 | فرانسه |
| 21,66 | m | n | 14,33 | مجارستان |
| 21,66 | 31,66 | n | m | ایسلند |
| 21,66 | n | n | 13,13 | ایرلند |
| 21,66 | n | n | 22,43 | ایتالیا |
| 21,66 | n | 0,06 | 0,67 | ژاپن |
| 21,66 | 4,77 | 0,35 | 3,36 | جمهوری کره |
| 21,66 | 3,12 | a | 3,87 | مکزیک |
| 21,66 | 0,42 | 0,28 | 10,41 | هلند |



| | | | | |
|-------|-------|-------|-------|---------|
| 21,66 | 32,41 | n | 14,18 | نیوزلند |
| 21,66 | 32,41 | n | 10,69 | نروژ |
| 21,66 | 9,81 | n | 11,66 | لهستان |
| 21,66 | m | m | 16,55 | پرتغال |
| 21,66 | 0,25 | n | 9,16 | اسپانیا |
| 21,66 | 14,95 | a | 9,59 | سوئد |
| 21,66 | m | 4,64 | 2,00 | سوئیس |
| 21,66 | 33,46 | 33,91 | 0,31 | انگلیس |
| 21,66 | 3,70 | m | 24,02 | آمریکا |
| 21,66 | 9,81 | 1,97 | 11,37 | OECD کل |

کشورها به صورت نزولی و بر اساس سهم بورسیه/سایر کمک‌های اعطایی به خانوار و انتقال و پرداخت به سایر نهادهای خصوصی در منابع کل دولت در آموزش عالی رتبه‌بندی شده‌اند. m: داده‌ها در دسترس نیست؛ n=بزرگی عدد یا ناچیز است و یا صفر است. منبع: OECD، آموزش در یک نگاه (۲۰۱۳)

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بسیاری از اعضای سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی از سیستم منابع مالی دولتی برای حمایت از خانوارها و سایر نهادهای خصوصی استفاده می‌کنند که کم و بیش ۲۲ درصد کل منابع مالی اختصاصی دولت به آموزش عالی را تشکیل می‌دهد. از بین کشورهای عضو سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی کشور آمریکا (24,02) بیشترین کمک مالی را به خانوارها اعطا می‌کند و کشورهای ایتالیا (22,43) و دانمارک (21,91) در ردیف‌های بعد قرار دارند و کشور انگلیس (0,31) کمترین کمک مالی را به خانوارها اختصاص داده است و کشورهای ژاپن (0,67) و سوئیس (2,00) به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند. کشور انگلیس (33,46) بیشترین وام دانشجویی را به دانشجویان خود پرداخت کرده است و کشورهای نروژ (32,41) و نیوزلند (32,41) در ردیف‌های بعدی هستند و کشور اسپانیا (0,25) کمترین منابع مالی را به وام دانشجویی اختصاص داده است و کشور هلند (0,25) در رده دوم قرار دارد. به طور کلی، نرخ منابع اختصاصی دولت در استرالیا، شیلی، دانمارک، ایسلند، ژاپن، هلند، نیوزلند، نروژ، انگلیس و آمریکا بیشتر از ۲۵ درصد است، برای کشورهای جمهوری چک، مکزیک و سوئیس کمتر از ۷ درصد است. ایسلند از دانشجویان با ارائه وام به آنها حمایت می‌کند، اما در بسیاری از کشورهای دیگر مانند استرالیا، شیلی، هلند،



نیوزلند، نروژ، سوئد، انگلیس و آمریکا به صورت وام و اعطای کمک مالی انجام می‌شود. به طور کلی، کشورهایی که از دانشجویان خود بر اساس سیستم تامین مالی وام حمایت می‌کنند، از خانواده‌های آنها نیز حمایت می‌کنند که این سیستم نقش زیادی در تخصیص منابع مالی اختصاصی دولت به آموزش عالی را در کشورهای مختلف تشکیل می‌دهد (OECD, 2013, 2019).

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین کارکردهای دانشگاه‌ها ارائه خدمات آموزش عالی به جامعه است که داشتن بهترین عملکرد در پیاده‌سازی این اهداف لازمه آن است و بدیهی است چنانچه دانشگاه‌ها از اعتبارات مالی کافی برای تحقق اهداف خود برخوردار نباشند، در انجام وظایف خود با مشکل مواجه می‌شوند. بنابراین تامین اعتبارات مالی مکفی یکی از مهمترین چالشهای پیش روی دانشگاه‌ها است. از طرفی، در محیط اقتصاد کنونی، تامین منابع لازم برای حمایت از تقاضای روزافزون آموزش عالی از طریق منابع مالی دولتی برای بسیاری از دولت‌ها سخت و دشوار شده است. علاوه بر آن، برخی از سیاست‌گذاران تاکید دارند که کشورهایی که مزیت‌های زیادی را از بخش آموزش عالی کسب می‌کنند، باید حداقل هزینه‌هایی را متقبل شوند. اگرچه، منابع مالی دولتی هنوز هم بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری کشورها در بخش آموزش عالی را تشکیل می‌دهد، اما همانطور که در جداول ۱ و ۲ نشان داده شد، منابع خصوصی سیستم تامین منابع مالی نیز نقش مهمی در برخی از سطوح آموزش عالی ایفا می‌کند. در بین کشورهای عضو همکاری و توسعه اقتصادی، تعادل بین تامین منابع مالی از طریق بخش خصوصی و دولتی در سطوح آموزش عالی متفاوت است و ایجاد تعادل بین منابع مالی عرضه شده از جانب بخش خصوصی و دولتی به آموزش عالی اهمیت زیادی در این کشورها دارد. در این سطوح، منابع مالی خصوصی عمدتاً توسط خانوارها تامین می‌شود که میزان نگرانی در مورد برابری در دسترسی به آموزش عالی را افزایش می‌دهد و این نگرانی‌ها را به وجود آورده است که تعادل بین تامین منابع مالی از دو بخش خصوصی و دولتی ممکن است انگیزه دانشجویان را از ورود به آموزش عالی کاهش دهد. برخی نیز اعتقاد دارند که کشورها باید میزان حمایت دولت از دانشجویان با طرح‌هایی مانند وام دانشجویی را افزایش دهند، برخی از متخصصان نیز اعتقاد دارند که بخش خصوصی باید مشارکت بیشتری داشته باشد. وام دانشجویی می‌تواند موانع ورود دانشجویان به آموزش عالی را از بین ببرد. به ویژه، وام دانشجویی می‌تواند هزینه آموزش را از دانشجویان کم درآمد به دولت انتقال دهد. همانطور که جداول ۱ و ۲ نشان می‌دهند، خانوارها بزرگترین سهم تامین منابع



مالی بخش خصوصی آموزش عالی را تشکیل می‌دهند (۷۴ درصد در بین کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی)، و بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، سهم منابع حاصل از بخش خصوصی برای نهادهای آموزش عالی تا حدود ۳ درصد افزایش داشته است، در حالی که سهم منابع دولتی به طور متوسط در کلیه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی کاهش یافته است.

منابع

انتظاری، یعقوب (۱۳۹۰). ارائه الگویی برای تامین مالی دانشگاه‌های دولتی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۶۰: ۳۶-۱۷.

Ahmad, A. R., Farley, A., & Naidoo, M. (2012a). Funding Crisis in Higher Education Institutions: Rationale for Change. *Asian Economic and Financial Review*, 2(4), 562- 576.

Ahmad, A. R., Saripuden, Sh., Soon, N. K. (2020). Analysis of the Higher Education Funding Systems. *Crafting Global Competitive Economies: 2020 Vision Strategic Planning & Smart Implementation*.

Albrecht, D., Ziderman, A. (1992). "Funding Mechanisms for Higher Education: Financing For Stability, Efficiency and Responsiveness". *World Bank Discussion Papers 153 the World Bank, Washington D. C.*

Nafise Rajabzade.(2018) Income Generation Factors In Higher Education, Case Study of Affiliated Universities, Ministry of Science, Research and Technology in Iran. *Journal of Financial Analysis* , 1(2),1-15.

Geuna, A. (1998). "Changes in the rationale for university funding: Are there negative unintended consequences?". *University of Sussex*.

Goksu, A., Goksu, G. G. (2015). A Comparative Analysis of Higher Education Financing in Different Countries. *Procedia Economics and Finance* 26 (2015) 1152 – 1158

Jencks, C. (1970). "Education vouchers: A report on financing elementary education by grants to parents". *Washington, DC, Center for Policy Studies*.

Johnstone, D. B. & Marcucci, N. P. (2007). *Worldwide trends in higher education finance: Cost-sharing, student loans and support of academic research*. UNESCO's Higher Education Commissioned Paper Series, [http://unesco.org/Education/Higher Education/UNESCO Forum on Higher Education Research and Knowledge/ Papers and Publications/commissioned papers]. Access Date: 01.02.2014.

Johnstone, D. B. Marcucci, P. N. (2010). "Financing higher Education. Worldwide: Who Pays? Who Should Pay?", *Johns Hopkins University Press*.



- Jongbloed, B. (2005). Tuition fees in Europe and Australasia: theory, trends and policies Higher education: Handbook of theory and research (pp. 241-310): Springer.
- Jongbloed, B., J. Koelman. (2000). "Vouchers for Higher Education: A Survey of the Literature", Study commissioned by the Hong Kong University Grants Committee, Enschede, CHEPS.
- Juris, K., Lucija, K., Sandra, K., Zane, L., Juris, P., Biruta, S., Janis, S., Kristine, Z. (2006). Funding Systems and Their Effects on Higher Education Systems. Imhe. OECD
- Kharlamova, H. (2017). Brytanska model finansuvannia vyshchoi osvity: uroky dlia Ukrainy [British Higher Education Financing Model: Lessons for Ukraine]. Visnyk Kyivskoho natsionalnoho universytetu imeni Tarasa Shevchenka. Ekonomika, 5(194), 58-66.
- Nitume, N. (2011, February). Financing higher education in Tanzania: Higher education students loans board challenges and success. A paper presented as a partial fulfillment of the requirement for Master of Business Administration (MBA) at Maastricht School of Management (MSM) Maastricht, The Netherlands.
- OECD. (2007). "Funding Systems and their Effects on Higher Education Systems . International Report" Education Working Paper No. 6.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (1998-2013). Education At Glance 1998-2013. France: O.E.C.D.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (2013). OECD Factbook 2013: Economic, Environmental and Social Statistics. France: O.E.C.D.
- Salmi, J., & Hauptman, A. (2011). Resource allocation mechanisms in tertiary education: A typology and an assessment. Universidad Diego Portales.
- Salmi, J., & Hauptman, A. M. (2006a). Innovations in tertiary education financing: A comparative evaluation of allocation mechanisms. Education Working Paper Series, 4,38324.
- Salmi, J., & Hauptman, A. M. (2006b). Innovations in tertiary education financing: A comparative evaluation of allocation mechanisms. Education Working Paper Series, 4,278.
- Sam, M. (2011). How should developing countries finance higher education? http://www.academia.edu/1228730/Financing_Higher_Education_in_Developing_Countries, Access Date: 01.02.2014.
- Schwarzenberger, A. (2008). Funding higher education in Germany: raising the issue of efficiency and equity. Milena Bevc: Financiranje, ucinkovitost in pravilnost visokega izobraževanja-povezave med temi pojavi in mednarodna konferenca onjih 5, 31.



- Tanveer, M., Karim, A. (2018). Higher Education Institutions and the Performance Management. *Library Philosophy and Practice (e-journal)*. 2183.
- Teferra, D. (2014). Charting African higher education: Perspectives at a glance. *International Journal of African Higher Education*, 1(1), 9-21.
- Teichler, U. (2006). Changing structures of the higher education systems: The increasing complexity of underlying forces. *Higher Education Policy*.19, 447-461.
- World Bank. (2010). *Financing Higher Education in Africa*. Washington, DC: Danvers. doi:10.1596/978-0-8213-8334-6
- Young, K. N., Huisman, J., Powell, P. (2008). The impact of funding policies on higher education in Jamaica. *Routledge*. Taylor & Francis Group. 44 (2): 215-227.
- Zhang, M. (2000). "Differential or flat? A comparative study of tuition policies in the world. A Consultant" Report to the University Grants Committee of Hong Kong, University Grants Committee of Hong Kong.
- Ziderman, A. and D. Albrecht (1995). *Financing universities in developing countries*. London: Falmer.
- Zumeta. W, Breneman. D, Patrick. M, Finney, E. (2012). "Financing American Higher Education in the Era of Globalizatio", Cambridge MA: Harvard University Press.